ایران

سال بیست و یکم
شماره ۵۹۴۲
یکشنبه
۱۰ خرداد ۱۳۹۴
۱۲ شعبان ۱۴۳۶

editorial@iran-newspaper.com

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرمسئول: محمدتقی روغنی‌ها
سردبیر: محمد نوری
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران - خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۸۳۸۸-۵۳۷۵
امور مشترکین (آبونمان): ۶-۲۲۲۲۲۴۳۵ و ۹-۲۲۲۲۲۴۳۸
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی روزنامه ایران

چاپ: افست. بانک ملی
چاپ همزمان اصفهان (رسانه برتر)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران - خیابان خرمشهر - شماره ۱۶
تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
مؤسسه شهرستانها و توزیع: ۲۲۲۲۲۲۹۸-۲۲۲۲۲۲۴۸

سخن روز

امام علی (ع):
هر روز که در آن خدا را نافرمانی نکنید عید است.
(نهج البلاغه کلمه قصار ۴۲۸)

مکاشفه

قبلنا کجا بودین؟

جناب روحانی رئیس جمهوری فرموده‌اند:«نمی‌دانم چرا عده‌ای نمی‌خواهند کام مردم شیرین باشند. این چه سری است که از لبخند مردم می‌ترسند.» والله بالله و تالله ما هم نمی‌دانیم؛ یعنی ماجرای عجیبی است. فقط مانده ایم این دلواپسان، دلاوران، نام آوران، آن روزهایی که دوستان همه چیز را به لولو دایورت می‌کردند و کاغذپاره‌ها را به پشیزی هم نمی‌دانستند و شعار می‌دادند و شعار می‌دادند و شعار می‌دادند، کجا بودند؟ واقعاً آن روزها که تحریم می‌شدیم کجا تشریف داشتید؟ همین تحریم‌ها که حالا برای لغو بلاشرطش رگ گردن کلفت می‌کنید و دبه دست می‌گیرید...

عموجان دلواپس ما یک پس گردنی محکم حواله ما کردند و فرمودند:« برو بچه جان، برو! آن موقع داشتیم پوشک شما را عوض می‌کردیم. مهم الان است که نگران عملکرد دولت اعتدال هستیم. غفلت کنیم همه چیز را به باد می‌دهید. یک یارانه نقدی ناقابل را نتوانستید به مردم بدهید. بعد مدعی هستید که در این دولت صف‌های تحقیر کننده نداشتیم. خب معلوم است که نداشتید. چون چیزی نیست که به مردم بدهید!» این دلواپسی‌های عزیزان هم برای خودش حکایتی است. آن روزها که در صف‌های انبوه سیب زمینی و سهام عدالت و سود سهام عدالت توزیع می‌شد و درآمد نفت به جای اینکه صرف تولید و توسعه شود، پول نقد شد و در بازار خرج شد و کوه نقدینگی، تورم زاییده، دوستان دلواپس خموش و مدهوش بودند. حالا اما خلاقیت شان برای تخریب دولت و پشت پا زدن به تیم دیپلماسی گل کرده. شما فکر کن نماینده مجلس باشی و بعد برای ریشخند کردن دولت دبه ترشی دست بگیری. خلاقیت تا به کجا؟!

عموجان پس گردنی دیگری نواخته و فرمودند:« معلوم است که خلاقیت مان گل می‌کند. انتظار دارید بنشینیم و تماشا کنیم که به خاطر دلخوش کردن کدخدا و دل و قلوه دادن با کری، مجوز بدهید تا هر روز بیایند و پوشک مان را بازرسی کنند؟ خب یارانه نقدی اغنیا را قطع کنید تا مجبور نباشید به خاطر لغو تحریم‌ها به کسی التماس کنید. عیدی امین دیوانه هم اجازه نمی‌داد کسی پوشکش را بازرسی کند.» جناب عیدی امین زمامدار مجنون اوگاندا که به لطف دلواپسان افتخار آشنایی با ایشان نصیب مان شده سر بلند کرده و فرمودند:« این دفعه اسم دبه و پوشک وسط آمد یاد ما افتادید؟ خیر نبیند که پای ما را به معرکه شما باز کرد. کاش می‌شد یک رمالی، جن‌گیری، کف‌بینی پیدا کنیم که ما را تا اطلاع ثانوی گم و گور کند!» رفتگر مهربان محله ما وارد بحث شدند:« آقا یک سؤال؛ جناب شجونی گفته‌اند از کجا معلوم معاون اول این یکی دزد نباشد. منظورشان از این یکی کیست؟» اتفاقا آقای روحانی امروز پرسیدند از کجا این بی‌ادبی نازل شده؟ از کجا ندارد که قربان شکل‌تان... از همین جا!

نگاره

اردشیر رستمی

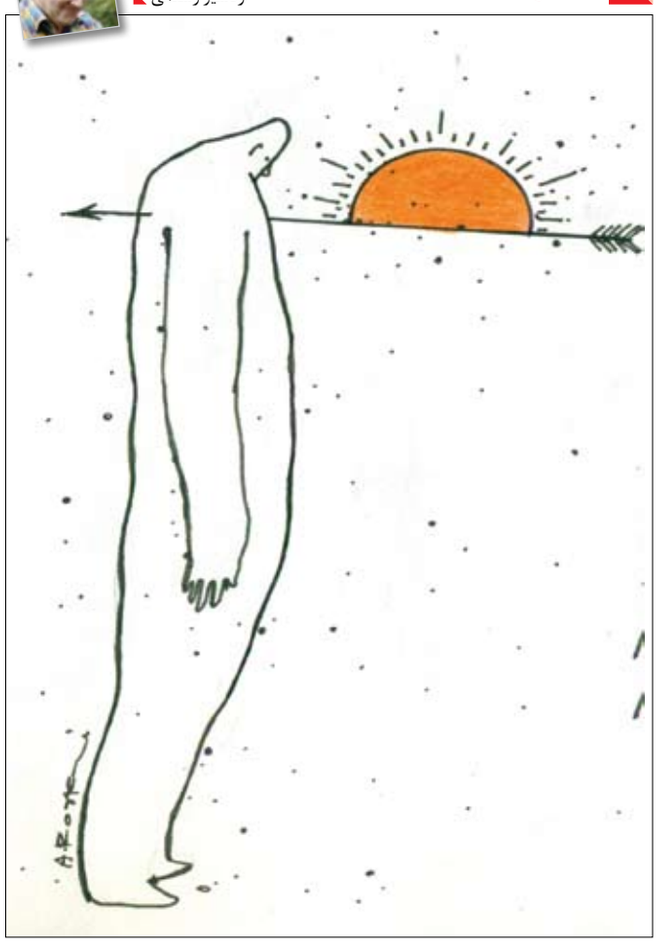

تو کمان کشیده و در کمین، که زنی به تیرم و من غمین / همه ی غمم بود از همین، که خدا نکرده خطا کنی
هاتف اصفهانی

چهره خبر

تولد ماه

از «داوود فتحعلی‌بیگی» در مراسمی قدردانی می‌شود

نهمین ویژه برنامه «تولد ماه» معاونت هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، ویژه بزرگداشت هنرمندان پیشکسوت به تولد داوود فتحعلی‌بیگی در موزه هنرهای دینی امام علی(ع) اختصاص دارد.

ویژه برنامه «تولد ماه» که به منظور بزرگداشت استادان و هنرمندان پیشکسوت کشورمان برگزار می‌شود، این ماه به بزرگداشت داوود فتحعلی‌بیگی، بازیگر، پژوهشگر، نویسنده و کارگردان نمایش‌های آیینی و سنتی اختصاص دارد.

این برنامه از ساعت ۱۸ امروز یکشنبه ۱۰ خرداد در سالن موزه هنرهای دینی امام علی(ع) واقع در خیابان ولیعصر، خیابان اسفندیاری با حضور بهزاد فراهانی، مهندس شفیعی مدیرکل امور نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جواد انصافی، سیدمحسن هاشمی، ناصر بخت، مریم معترف، اسماعیل خلج، مرتضی صفاریان و جمعی از هنرمندان، شاگردان و پیشکسوتان تئاتر آیینی و تعزیه برگزار می‌شود.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۲۸	۳۴	۳۶	۴۸	۴۱	۳۹	۳۷	۳۱
۱۵	۲۰	۲۰	۳۰	۲۵	۲۶	۱۹	۱۹

اذان ظهر ۱۳/۰۲ ■ اذان مغرب ۲۰/۳۵ ■ نیمه شب شرعی ۰۰/۱۰ ■ اذان صبح فردا ۴/۰۶ ■ طلوع آفتاب فردا ۵/۵۰

عکس نوشت

۲۱ میلیاردی که کسی را غافلگیر نکرد!

عکس: رضا جلالی

حسین عبدالهاشم پور
منتقد هنری

اول: ۲۱ میلیاردی شدن چهارمین حراج تهران، فقط وزیدن باد به پرچم هنرهای تجسمی نبود؛ نوعی اعلان حضور بخش خصوصی در حمایت از هنر ایران بود که در بستر بازگشت آرامش به فضای جامعه هنری تحقق یافت؛ جامعه ایرانی نیک دریافته به آنچه در این روزگاران پست مدرنیستی می تواند ببالد، فرهنگ و هنر غنی خویش است؛ این می تواند پاسپورت ایرانی را در سراسر دنیا پررنگ‌تر کند و غریب نیست. طبقه متوسط تحصیلکرده ایرانی این ضرورت تاریخی را دریافته است. شاید بر همین مبناست که به خلاف دوره‌های گذشته کسی از خلق این رکوردهای تاریخی در این رویداد دچار شگفتی نشد و حتی برخی انتظاراتشان بیش از این‌ها هم بود.

دوم: ۲ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان برای بزرگی مانند سهراب سپهری بسیار اندک است وقتی اتومبیل های پنج شش میلیاردی در شهر ویراژ می دهند؛ سهراب و بزرگانی مانند او باید چندین میلیون دلار به فروش رسند تا دانشجوی هنر امروز، نگران بازار کار فردا نباشد.

سوم: ۳ دوره اکسپوی دولتی در دولت گذشته هم ثابت کرده بود شیوه ارائه و عرضه آثار هنری همسنگ خلق آن اهمیت یافته است؛ آن اکسپوها در بورو کراسی اداری گرفتار کاغذبازی‌ها شدند و در گل ماندند، اما تیم کارآزموده حراج خصوصی تهران، از دو میلیارد حراج نخست به ۲۱ میلیارد در ایستگاه چهارم رسید؛ امید دولت تدبیر به آورده های بخش خصوصی از همین رو است.

چهارم: ۴ دوره حراج تهران و رشد ۱۹۰ درصدی فروش آن در شامگاه هشتم خرداد نسبت به سال گذشته، شاید رنگ رخساری باشد که نوید حال خوش درون دهد. کاش دولت محترم در این فرصت بزم هنر، گریزی به تأمین زیر ساخت‌ها زند و چه بسا با ارائه لایحه هایی به مجلس و پیشنهادهایی نظیر بخشودگی مالیاتی برای بخش های خصوصی که در هنر سرمایه گذاری کنند به تداوم و تثبیت این روند کمک افزون تری کند.

پلاک ۲۴

به دور از داستان‌نویسی‌های بی‌اندیشه

حمید جعفری
روزنامه‌نگار

ادبیات داستانی ایران مانند سایر بخش‌ها و حوزه‌های ادبی کشور مدت زمانی می‌شود که در کوران دوری از مخاطب یا شاید به تعبیر بهتر دوری جستن مخاطب از ویترین ادبیات گرفتار شده است. این واقعیتی است که نمی‌توان انکار کرد. طی سال‌های گذشته همه مؤلف‌های ادبی بخوبی شاهد بوده‌اند که عبور بدون دغدغه مخاطبان از کنار ویترین ادبیات چگونه در مؤلفه‌های مختلف، مخصوصاً تیراژ تألیف‌های ادبی خود را نشان داده است. برای این موضوع اما صاحبان اندیشه دلایل زیادی ارائه داده‌اند و از نشر، ناشر، مؤلف و نزول سطح آثار ادبی تا گره‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را برای تحلیل این اتفاق به صف کرده‌اند اما به نظر می‌رسد که می‌توان در کنار همه این دلایل که به طور نسبی هر کدام سهمی از واقعیت دارند، نقش نویسندگان را نیز برجسته کرد و آنها را از میان فهرست چرایی‌های سقوط ویترین ادبیات بیرون کشید و جداگانه در موردشان سخن گفت. به نظر می‌رسد برای تحلیل ماجرا بد نباشد که یک پرسش مطرح شود. فکر می‌کنید در چند سال گذشته و از میان داستان‌ها و رمان‌هایی که خلق شده‌اند، چه تعداد یا چه کمیتی به نبض زندگی اجتماعی مردم یا معیار تعاملات اجتماعی نزدیک بوده است؟ پاسخ به این پرسش را به نظر می‌رسد داستان نویسان و منتقدان آنها با استفاده از واژه‌هایی بخوبی توضیح داده‌اند. این روزها ماجرای «داستان‌های آپارتمانی» آنقدر در دیالوگ اهالی ادبیات شنیده می‌شود که آدم احساس می‌کند این گونه از داستان تمام ظرف داستان‌نویسی را به خود اختصاص داده است. جالب اینجاست که همه نیز بر این باورند که داستان‌های آپارتمانی بیشترین ضربه را طی سال‌های گذشته به داستان نویسی در ایران وارد کرده‌اند اما همچنان تولید آنها در سطح بالایی قرار دارد یا اگر در جایی هم داستانی در جهت مخالف با آپارتمان نویسی چاپ شود، مخصوصا از سوی ناشرهای مطرح آنقدر از اندیشگی به دور است که یک گره تازه برای ادبیات محسوب می‌شود. این‌ها را گفتم تا از رمان تازه «چال» نوشته علی دهقان بگویم. رویکرد«چال» ضدیت با داستان‌های آپارتمانی است به طور ناخودآگاه کار از اینجا شکل گرفت که باز هم پرده از معضل کلی ادبیات داستانی این روزهای ما برداشته شود. «چال» را به تازگی نشر پیدایش منتشر کرده است. داستان چنان است که با روایت اصلی و روایت نهفته در خود همذات پنداری عجیبی را برای مخاطب ایجاد می‌کند. خلق کاراکترهای کارگری و شخصیت‌سازی‌های جذاب نویسنده، مخاطب را تا پایان کتاب با خود همراه می‌کند و شوکی است برای کسانی که از داستان نویسی‌های بی‌اندیشه خسته شده‌اند!